فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲۶
سمیه کریمی زاده اردکانی، دانش‌آموخته مقطع دکتری، جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه غیر انتفاعی آل طه، تهران
Dr.S.Karimizadehardakani
skarimizadeh@gmail.com

بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای محله محوری و نقش آن در شکوفایی مدیریت درکلان شهرها

دریافت مقاله: ۹۶/۴/۲۴ پذیرش نهایی: ۹۶/۷/۲۲

DOI: 10.18869/acadpub.geores.32.3.100

چکیده

هدف بررسی جامعه‌شناختی مدیریت محله محور در شکوفایی خدمات به شهروندان و پیامدهای این‌گونه مدیریت است. برای فراهم شدن زمینه‌های همکاری و مشارکت اجتماعی مردم رویکرد محله محور لازم است. مفاهیمی چون برنامه‌ریزی از پایین، مشارکت جمعی، توزیع عادلانه امکانات تنها در سایه مفهوم «توسعه محله‌ای» و برنامه‌ریزی محلات شهری عینیت می‌یابد. در این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای محله محوری (محله‌های ازگل، جنت‌آباد، حکیمیه، خانی‌آباد تهران) در اداره کلان‌شهر تهران پرداخته‌شده است. روش تحقیق با ترکیب دو روش کمی و کیفی بوده است. حجم نمونه کیفی (۴۴ واحد مشاهداتی) است (۴ تن از مدیران محلات موردمطالعه و ۲۰ نفر از اعضای شورایاری محلات و ۲۰ تن از اعضایی که مداوم از خدمات سرای محله استفاده می‌کنند). حجم نمونه در روش کمی با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر است. پژوهش دارای ۶ فرضیه است که ۴ فرضیه اول با روش کمی و دو فرضیه آخر با روش کیفی بررسی‌شده‌اند. در قسمت کیفی پژوهش با اجرای کدگذاری‌های مختلف به پدیده‌های اصلی (تغییرات اجتماعی، نابهنجاری‌های اجتماعی، توسعه محله محوری و عدم توسعه محله محوری) دست‌یافته و به بررسی جامعه‌شناختی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و استراتژی‌های مختلف تأثیرگذار بر پدیده و درنهایت پیامدهای متأثر از پدیده پرداخته‌شده است. درروش کمی با پیمایش به نتایجی دست پیداکرده که ازجمله آن‌ها همکاری در حد متوسط مردم در اجرای این طرح بوده است. محله محوری که از زمینه‌های تغییرات اجتماعی در ایران بوده خود توانسته تغییرات ارزشمندی در محلات مسکونی شهر تهران ایجاد کند. با نشأت گیری این طرح(محله محوری) از اخلاق مدنی، در اداره کلان‌شهر تهران مؤثر بوده و با کنترل گرایش به رفتار نابهنجار در هویت محله تأثیرگذار بوده است. احساس مسئولیت شهروندان بر محله محوری و پیامدهای آن تأثیر داشته و با القا حس تعلق و هویت محله‌ای موفق عمل نموده است و رضایتمندی اجتماعی مردم رابطه محکمی با پیامدهای محله محوری نشان داده است.

واژگان کلیدی: پیامدهای محله محوری، مدیریت محله محور، مشارکت اجتماعی

مقدمه

محله به‌عنوان یک مکان کالبدی و اجتماعی که قابلیت انجام کنش‌های جمعی و سازمان‌یافتگی مردم را دارد می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعی آنان فراهم آورد. درباز تولید هویت محله به نظر نگارنده تقویت

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

حافظه تاریخی محله، تقویت حس تعلق و مشارکت شهروندان در محله، ایجاد فضاهای عمومی و گفتگو بین شهروندان و حفظ سازمان محله‌ای بسیار مهم است. محله گرایی می‌کوشد تا نظم اجتماعی را برقرار سازد و امنیت اجتماعی، تفاهم و مشارکت مدنی تحقق یابد. مشارکت مدنی در سطح محله موجب وفاق اجتماعی گردیده و از بار تصدی‌گری دولت می‌کاهد. تشکل‌ها، انجمن‌های محلی و شورایاری‌های محلات، حلقه ارتباطی میان مدیریت محلی و شهروندان هستند که درواقع به تمرین مشارکت مدنی در سطح محلی می‌پردازند و زمینه لازم جهت توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ساکنین در حل مسائل و چالش‌ها در سطح محلی را در نظام مدیریت شهری فراهم می‌آورند (ازکیا، ایمانی جاجرمی،۱۳۸۴ :۲۶) محله محوری که اکنون تنها در کلان‌شهر تهران انجام می‌گردد و یکی از دلایل آن، کم بودن اعضای شورای شهر در قبال جمعیت میلیونی تهران مشکلات زیاد این کلان‌شهر، بوده آیا پیامدهایش آن‌قدر به نفع شهروندان بوده که بتواند در کلان‌شهرهای دیگر ایران پیاده شود؟ کاستی‌های آن چیست؟ این موضوع با رویکرد جامعه‌شناختی موردبررسی خواهد گرفت. موضوع اصلی این تحقیق بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای محله محوری در اداره کلان‌شهرها بوده و با توجه به نوپا بودن طرح محله محوری در تهران نواقصی در کلیت طرح مدیریت محله مشاهده‌شده است. این نواقص در موارد ساختاری از قبیل قوانین، منابع انسانی و روش‌های اجرایی از قبیل تعاملات و اهداف مشارکتی بیشتر قابل‌مشاهده است. طرح مدیریت محله باید در جامعه کلان‌شهر تهران بررسی شود تا بر مبنای آسیب‌شناسی آن بتوان به آینده بهتری رسید. در جامعه ایران که مشارکت اجتماعی زمانی تنها در راستای شبکه‌های خونی و عشیره‌ای و قبیله‌ای تعریف می‌شده امروز الگوی جدیدی سرای محله جایگزین این ارتباط خونی و خاندانی شده است و رسالت و هدف چنین نهادی پیدایش حلقه واسط میان ساکنین با سازمان‌های دولتی است. نکته دیگر اینکه اهمیت مطالعاتی چنین موضوعی ازآنجاست که مدیریت هر شهر به سه عنصر شهر، شهروندان و شهرداری بستگی دارد و هراندازه مشارکت مردم در شهر بیشتر شود حس تعلق آنان به شهر نیز افزایش می‌یابد

مرور پژوهش‌ها

کلدی مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری در منطقه ۷ تهران انجام داده است. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، نگرش شهروندان از مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه پیشنهاد بوده و تمایلی به مشارکت در حیطه عمل و اجرا نداشته‌اند (کلدی،۱۳۸۱: ۱۲). ایمانی جاجرمی در پژوهش خود به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر عملکرد شوراهای اسلامی شهر در توسعه محلی پرداخته است. او به این نتیجه رسیده که شرایط علی نظام اداری متمرکز و قوانین مبهم منجر به پدیده "فقدان نهادینگی" در شوراها می‌شوند و حوزه اختیارات را محدود می‌کند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۱۵). پژوهشی با عنوان آسیب‌شناسی دولت محلی به مطالعه موردی شوراهای اسلامی کلان‌شهرها از ویسی نگارش شده است که در این مطالعه به عوامل اصلی آسیب‌ها اشاره‌شده است. یافته چنین است که ریشه‌ای‌ترین آسیبی که به دولت محلی واردشده فرهنگ سیاسی، نظام سیاسی، اساسنامه دولت محلی و نوپا بودن این نهاد محلی است (ویسی،۱۳۸۹: ۲۵)

در موردپژوهش‌های خارجی می‌توان به رایدین[1] و پنینگتون اشاره نمود که به گسترش فرصت‌ها برای مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی محلی پرداخته اند. آنان در این کار بر ریشه‌های فعالیت‌های مشارکتی در ساختار انگیزشی که با پتانسیل‌های بالقوه مواجه هستند اشاره دارند در ادامه استراتژی موردنظر در جهت سازگاری با جلب مشارکت عمومی را ارائه داده‌اند. کوین و همکارانش[2] به تحول اجتماعات محلی در توسعه تحولات اقتصادی و سیاسی محلات پرداخته‌اند، آن‌ها نشان دادند که تغییرات اقتصادی و

[1] Rydin & Mark Pennington
[2] Kevin et al.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

سیاسی در سطح شهر وابسته به دیدگاه محلی است. افزایش تصمیم‌گیری از پایین به بالا می‌تواند قدرت اقتصادی محلی را به‌عنوان یک تهدید در نظر گرفت و دولت‌ها باید در جهت مهار قدرت سرمایه‌گذاری تلاش کنند. هاری بلای[1] به بررسی مشارکت و مسئولیت حکومت‌های محلی دموکراتیک در چند کشور پرداخت. وی بیان کرد که دولت‌ها در سطح محلی می‌توانند تبدیل به بیشترین پاسخگو به خواسته‌های شهروندان و مؤثرترین در ارائه خدمات باشد. وی دو موضوع مشارکت و پاسخگویی را موردبررسی قرارداد. نتایج نشان داد که هر دو موضوع تأثیر معنی‌داری بر روی ارتقاء حکومت‌های محلی دموکراتیک خواهند داشت.

روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق ترکیب روش تحقیق کمی و کیفی استفاده کند. در این راستا از استراتژی زاویه‌بندی هم‌زمان از روندهای هم‌زمانی[2] استفاده می‌شود. هم‌زمانی باعث کاهش مدت‌زمان جمع‌آوری اطلاعات می‌گردد. (ایمان،۱۳۹۰: ۲۶۸) در روش کمی روابط بین متغیرها (فرضیات تحقیق) با تعریف عملیاتی که از متغیرها شده است، سنجش می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت تحلیل اطلاعات بر اساس روش‌های مناسب آماری در راستای اجرای طرحی که حاکم بر تحقیق است (علی مقایسه‌ای) انجام می‌پذیرد. درروش کیفی از گراند تئوری استفاده خواهد شد. در ۴ فرضیه اول مبنا اندازه‌گیری به روش کمی است و در ۲ فرضیه آخر هدف روش کیفی است. حجم نمونه در روش کمی با فرمول کوکران ۴۰۰ و در قسمت کیفی ۴۴ واحد مشاهداتی است. نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای هدفمند انجام‌شده و درنهایت به‌صورت تصادفی ساده به درب منازل شهروندان مراجعه شده است.

محدوده تحقیق

این تحقیق در۴ محله از محلات تهران موردبررسی قرارگرفته است. ازگل از منطقه ۱، جنت‌آباد از منطقه ۵ حکیمیه از منطقه ۴ و خانی‌آباد از منطقه ۱۹ است. با ترکیب سه موضوع ۱)توسعه ۲) رفاه ۳) نقشه جغرافیایی مناطق تهران، محققین به این ۴ محله رسیدند[3].

مبانی نظری و یافته‌ها

نظریه‌های مشارکت

رویکرد نظری مبادله: در این سنت افراد زمانی دست به مشارکت و رابطه متقابل با دیگران می‌زنند که پاداش و یا تأیید اجتماعی بیشتری را دریافت کنند و در مقابل هزینه و آسیب کمتری را متحمل شوند. رویکرد نظری کسانی که بیشتر به مشارکت به‌عنوان یک عمل انسانی و یا یک ارتباط درست و سالم توجه دارند. در این دیدگاه مشارکت امری انسانی و حق هر شهروند در تعیین سرنوشت خود است. هابرماس، فضایی که کنش ارتباطی در آن صورت می‌گیرد را حوزه عمومی می‌خواند. (نوذری،۱۳۸۱: ۳۲۲) از نظر هابرماس دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمن‌هایی امکان‌پذیر است (هابرماس، ۱۳۸۰: ۹۲-۱۲۱).

1Harry Blai
[2] concurrent procedures

[3] دلایل انتخاب به‌طور مستند در رساله دکتری محقق عنوان‌شده است.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

نظریه کنش (بلومر[1]،وبر[2])

شرکت مردم در آن چه در محل زندگی‌شان به وقوع می‌پیوندد نشان از کنش پیوسته مردم است. نهادهای محلی ساخت‌های پایداری هستند که قوانین مختص خود دارند می‌توانند به‌عنوان واقعیتی خارجی، اصیل و واحد مورد مطالعه قرار گیرند و هم بر اجزا تشکیل‌دهنده خود تسلط، احاطه و کنترل داشته و همیشه فراتر از مجموع افراد تشکیل‌دهنده خود عمل کند (تنهایی،۱۳۸۳: ۴۵۵) تأکید وبر هم بر توسعه و مشارکت شهری به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تشکیل شهر به‌عنوان یک اجتماع کامل است. تا جایی که اخیراً مشارکت شهری در فرهنگ جدید توسعه جایگاه خاصی یافته و یکی از ویژگی‌های جوامع مدرن محسوب می‌شود (پاپلی، رجبی،۱۳۸۲: ۲۹۵)

نظریه حکومت محلی و شهروندسازی

نظریه زیمل[3]: زیمل به یکی از مهم‌ترین حقایق و ویژگی‌های دوران مدرن یعنی آثار منفی شهرهای بزرگ بر حیات فکری (خصوصاً بعد عاطفی آن) اشاره می‌کند و قبل از همگان خطرهای ناشی ازخودبیگانگی عاطفی را برمی‌شمارد پس ضروری است که برنامه ریزان شهری با تدابیر جامعه‌شناختی و روان‌شناسانه اصول بنیادین نظام اجتماعی – فضایی شهر را خصوصاً در رابطه با طراحی و ساخت شهر به سمت و سویی سوق دهند که موجبات رشد عاطفی شهروندان فراهم شود (پاپلی، رجبی،۱۳۸۲: ۳۰۵، ۱۱۰، ۲۳۶)

جین جیکوبز[4]: ازنظر او شهر یک ارگانیسم اجتماعی متشکل از واحدهای زنده است. او اهمیت زیادی برای خیابان‌ها از جهت بار اجتماعی – فرهنگی و عاطفی قائل است و معتقد است با فراهم آوردن عرصه‌های بالقوه‌ای از امکان برقراری روابط متقابل اجتماعی و گستره‌ای از رفتارهای گوناگون می‌توان به مراکز شهری معنا بخشید. مسلم این معنا بخشی به مراکز شهری، به هویت شهری کمک خواهد نمود. (جیکوبز،۱۳۹۲: ۹۳)

نظریه سرمایه اجتماعی

بنا به اعتقاد رابرت پاتنام[5] ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌گردد. (پاتنام،۱۳۸۹:۲۹۰)

به نظر جیمزکلمن[6] سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد اشکال سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن شامل هنجارها و ضمانت‌های اجرایی، روابط اقتدار، سازمان اجتماعی اقتدار پذیر (کلمن، ۱۳۸۶: ۴۹۰) مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن وسیله‌ای جهت تبیین نحوهٔ همکاری و افراد با یکدیگر است. (فیلد،۱۳۸۸ :۸۵)

جمع‌بندی نظرات

بر اساس نظریات کنش، رفتار اجتماعی ما، بنا بر گروهی که بدان تعلق داریم و نهادهایی که در آن ایفای نقش می‌کنیم، شکل می‌گیرد. مشارکت اجتماعی به‌عنوان یک رفتار اجتماعی نیز می‌تواند تحت تأثیر نهاد مدیریت محله باشد.

[1] Blomer
[2] Weber
[3] simmel
[4] Jicobz
[5] patnam
[6] colman

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.29252/georesearch.32.3.100]

ازآنجاکه زیمل به خطرهای ناشی ازخودبیگانگی عاطفی اشاره‌کرده است و جیکوبز تمرکز را در شکل‌گیری روابط مؤثر می‌داند و مونتسکیو به ایجاد جامعه مدنی برای مشارکت اجتماعی اشاره‌کرده است و طبق نظر پاتنام و کلمن سرمایه اجتماعی از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در نظام‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزش‌ها حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی ما است. پس‌ازاین نظریات در طراحی فرضیه ۶ و ۲ استفاده‌شده است. در فرض ۵ که زمینه تغییرات اجتماعی را بررسی می‌کند بر مبنای نظر روسو پی‌ریزی شده است و در فرض ۳ رضایتمندی اجتماعی در قالب نظریه پارسنز قرار می‌گیرد که کنشگران برحسب گرایش به "ارضای مطلوب" برانگیخته می‌شوند. بر اساس تئوری‌های رفتارگرایی اجتماعی، هرچه فرد از خدمات و امکانات محیط زندگی خود رضایت داشته باشد میزان گرایش او به آن محیط و همچنین مسئولیت‌پذیری وی افزایش خواهد یافت. فرض ۱ و ۴ که احساس مسئولیت شهروندی و شرایط اقتصادی محله قرارگرفته از نظریه دورکیم (وجدان جمعی و همبستگی) نشأت‌گرفته است. بر اساس نظر دورکیم هنگامی‌که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۸)

فرضیه

۱. بین احساس مسئولیت شهروندی با پیامدهای محله محوری رابطه وجود دارد.

۲. بین احساس تعلق و هویت محلی با پیامدهای محله محوری رابطه وجود دارد.

۳. بین رضایتمندی اجتماعی شهروندان با پیامدهای محله محوری رابطه وجود دارد.

۴. بین شرایط اقتصادی مردم محله با پیامدهای محله محوری ارتباط وجود دارد.

۵. محله محوری از پیامدها و زمینه‌های تغییرات اجتماعی جامعه ایران و البته شهر تهران بوده است.

۶. محله محوری از اخلاق مدنی نشأت‌گرفته و در اداره شهرها و در ارتباط با هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نابهنجار به‌طور چشمگیر تأثیرگذار است.

متغیرهای تحقیق

پیامدهای محله محوری متغیر وابسته تحقیق بوده و شامل، احساس مسئولیت، احساس تعلق، رضایتمندی اجتماعی، شرایط اقتصادی و تغییرات اجتماعی و در آخر اخلاق مدنی و ناهنجاری‌های محله‌ای است و متغیر مستقل آن محله محوری است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های کیفی

در پژوهش حاضر مصاحبه‌ها، فوکوس گروپ‌ها (گروه‌های متمرکز) ، مشاهدات مشارکتی اسناد تحلیل خط به خط شد و پس از پدیدار شدن مقوله‌های آغازین به کدگذاری جملات و بندها اقدام شد. با تحلیل خط به خط ابتدا داده خام ساخته شد. سپس با کدگذاری باز ۴۰۵ مفهوم و سپس ۴۰ مقوله به دست آمد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

جدول ۱ - چهل مقوله مستخرج از مفاهیم

ردیف	مقولات	ردیف	مقولات	ردیف	مقولات	ردیف	مقولات
۱	شناخت شهروندان	۱۱	عدم تعامل درون‌گروهی	۲۱	محدودیت‌های مدیریت محله	۳۱	ساختار بوروکراتیک
۲	نگرش به محله محوری	۱۲	رشد شهرنشینی	۲۲	ساختار اداری سرای محله	۳۲	عدم‌حمایت مالی
۳	نگرش به مدیر محله	۱۳	نظارت	۲۳	نگرش سیاسی	۳۳	عدم تعلق
۴	نگرش به شورایاری	۱۴	استقلال	۲۴	شرح وظایف	۳۴	فنّاوری
۵	کارایی و اثربخشی	۱۵	قدرت اجرایی	۲۵	عدم استقلال	۳۵	پتانسیل اقتصادی محل
۶	تلاش	۱۶	رشد مشارکت	۲۶	فداکاری	۳۶	جمعیت محل
۷	تعلق محلی	۱۷	تغییر اجتماعی	۲۷	خدمت‌رسانی	۳۷	حضور چندنسلی مردم در این نهاد
۸	تعامل با شهروندان	۱۸	توافق	۲۸	فرهنگ‌سازی مشارکتی	۳۸	نابهنجاری محل
۹	تعامل درون‌گروهی	۱۹	رسمیت	۲۹	مشارکت شهروندان	۳۹	رفع نابهنجاری محل
۱۰	عدم تعامل شهروندان	۲۰	هماهنگی	۳۰	نگرانی	۴۰	بی‌تفاوتی اجتماعی

در مرحله بعد کدگذاری محوری انجام شد. در این پژوهش پس از تبدیل عبارات و مشاهدات به مفاهیم و مقولات، الگوهای پارادایمی از طریق سؤال کردن و مقایسه کردن از دل آن‌ها بیرون آمد؛ و پارادایم تغییرات اجتماعی به دست آمد. در شکل ۱ به شرایط علی و مداخله‌گرها پرداخته‌شده است. در مرحله سوم «کدگذاری گزینشی»[1]، کدگذاری محوری را در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. مقوله هسته‌ای در این مرحله مشخص می‌شود. مقوله هسته‌ای درواقع همان پدیده اصلی است که موردبررسی قرار گرفت. (Bohm, 2006: 273-274) در این پژوهش با توجه به تکرار مفهوم «عدم توسعه محله محوری و توسعه برنامه محله محوری» در داده‌ها، مفاهیم مقولات و مدل‌های پارادایمی این مفهوم به‌عنوان پدیده هسته‌ای انتخاب‌شده است. پس از تعیین مقوله هسته‌ای، الگوی پارادایمی آن ترسیم شد و عناصر نظریه‌ای تشریح شد. (شکل ۲) و در شکل ۳ پارادایم عدم توسعه محله محوری ترسیم‌شده است.

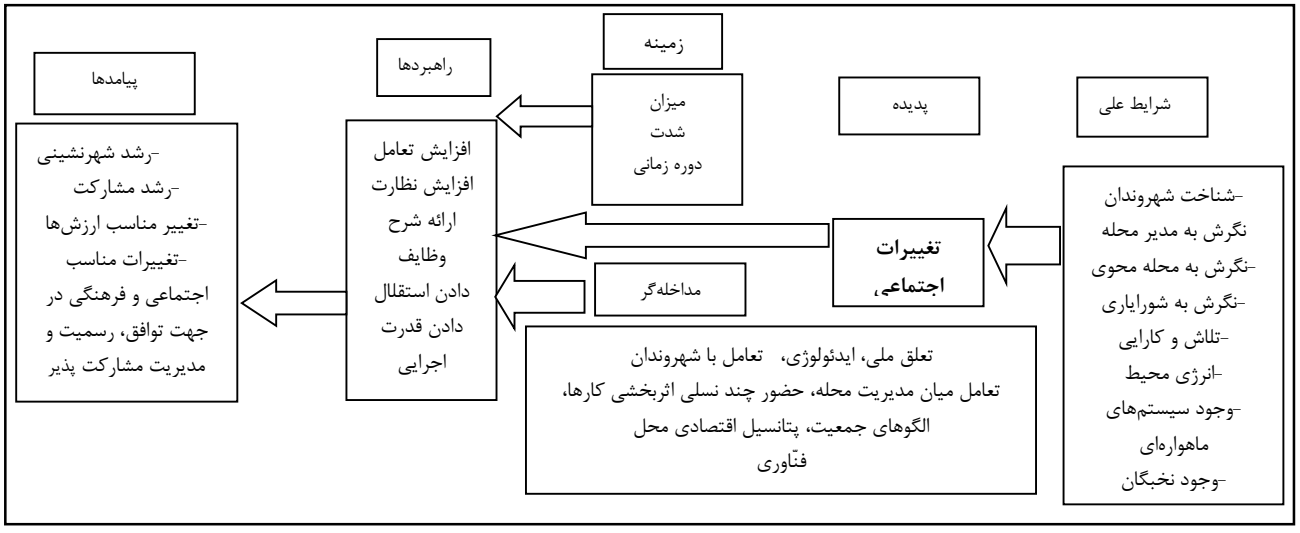

[1] Selective Coding

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

شکل ۱- پارادایم تغییرات اجتماعی

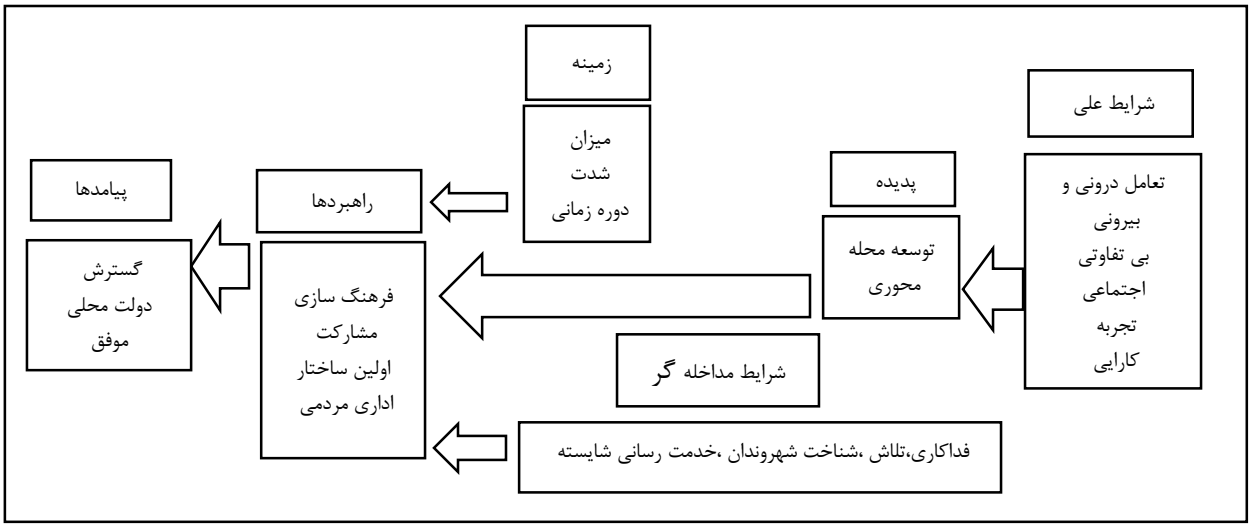

شکل ۲- پارادایم توسعه محله محوری

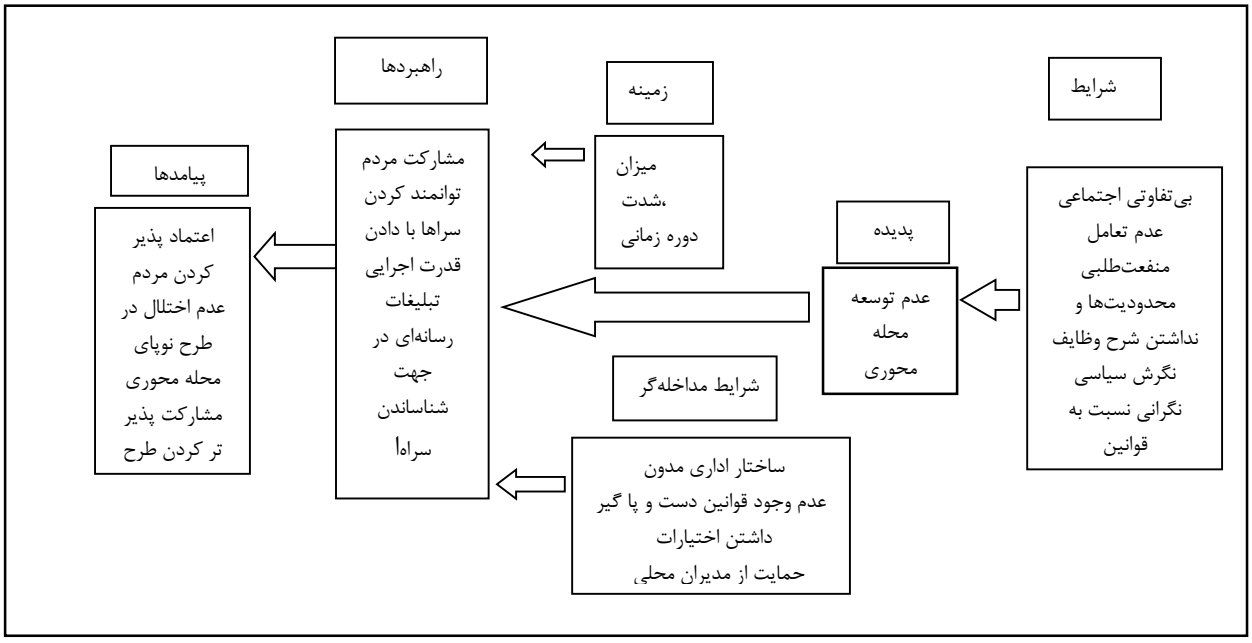

شکل ۳- پاردایم عدم توسعه محله محوری

یافته‌های کمی

به‌منظور مقایسه مقادیر میانگین در محلات مختلف، با استفاده از تحلیل واریانس یک‌طرفه، هریک از شاخص‌ها آزمون شده است. مقادیر معناداری آزمون نشان می‌دهد که هر دو شاخص دارای میانگین یکسان در میان محلات مختلف است. (نمودار ۱)

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

نمودار ۱- میانگین پیامدهای محله محوری

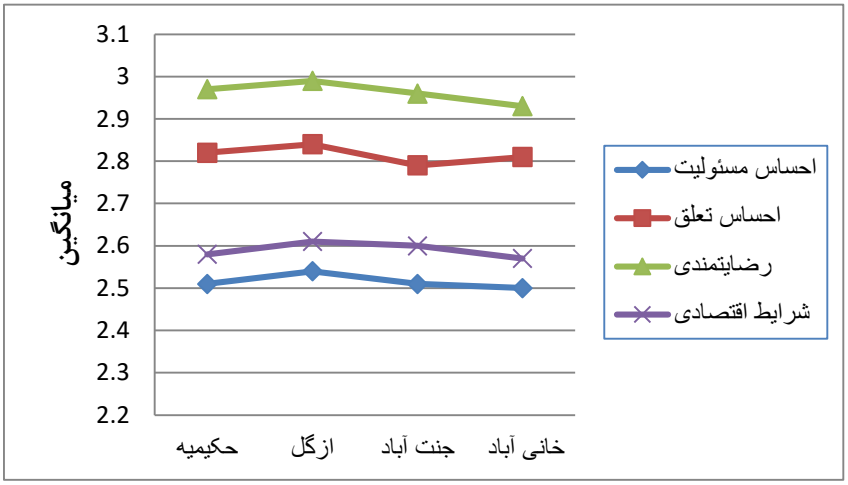

معادله ساختاری و برازش مدل

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌نمایید مقدار χ^2 به درجه آزادی برابر ۲۵,۵ و باوجود این‌که این مقدار بزرگ است ولی فرض نیکویی برازش مدل رد نشده است. می‌توان گفت تفاوت زیادی میان مدل مفهومی پژوهش با داده‌های مشاهده‌شده تحقیق نیست. همچنین مقدار RMSEA برابر ۰/۷۸۹ و مقدار بالای این معیار به دلیل همبستگی بالای میان متغیرهای مدل است. اما در مقابل شاخص‌های (CFI – IFI – NFI) همگی بزرگ‌تر از مقدار ۰/۷ است پس مدل برازش مطلوبی را نشان داده و مورد تائید است. (جدول ۲) مقادیر آماره آزمون صفر بودن ضرایب مسیر معادلات ساختاری در جدول ۳ آمده است. با توجه به مقادیر معناداری همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمام‌مسیرهای رابطه رگرسیونی میان متغیرهای پاسخ و مستقل و هم‌چنین روابط میان متغیرهای مستقل معنادار است؛ و همان‌طور که در بخش توصیفی دیدیم نتایج آزمون نیز نشان می‌دهد که تنها همبستگی (کوواریانس) میان احساس مسئولیت و رضایتمندی و دو متغیر رضایتمندی و شرایط اقتصادی معنادار نیست.

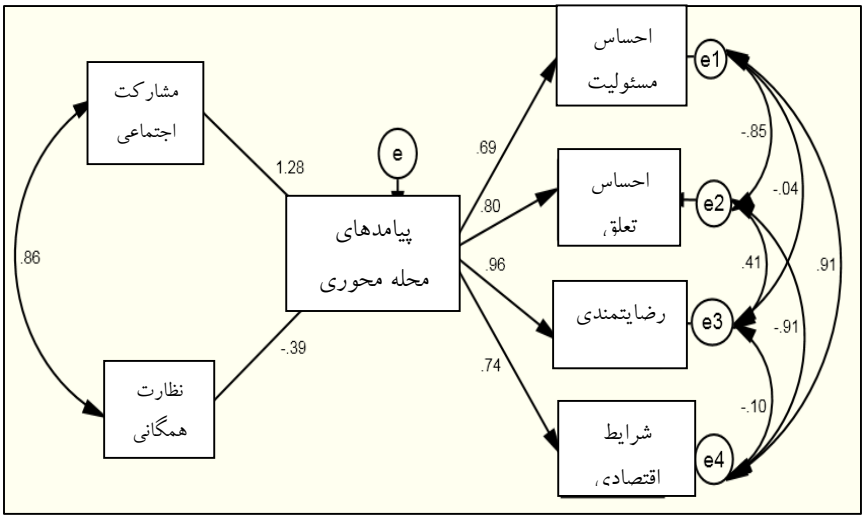

Chi-square=202.371, df=8, p-value=0.000, RMSEA= 0.789

شکل ٤- معادله ساختاری تحقیق

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/georesearch.32.3.100]

جدول ۲-شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

شاخص	کای دو	درجه آزادی	CMIN	RMSEA	NFI	IFI	CFI
	۲۰۲/۳۷۱	۲۵,۵	۲۵/۲۹۶	۰/۷۹۱	۰/۲۸	۰/۷۳۴	۰/۷۲۹

جدول ۳ -آزمون ضرایب مسیر معادلات ساختاری

	برآورد ضریب رگرسیونی	انحراف استاندارد	مقدار t	مقدار معناداری
پیامد محله محوری- مشارکت اجتماعی	۱.۲۰۲	۰.۰۷۳	۱۶.۴۱۶	۰.۰۰
پیامد محله محوری- نظارت همگانی	-۰.۲۷۵	۰.۰۵۶	-۴.۹۵۳	۰.۰۰
احساس مسئولیت-پیامد محله محوری	۰.۸۹۲	۰.۱۴۹	۶	۰.۰۰
احساس تعلق - پیامد محله محوری	۰.۹۲۴	۰.۰۴۲	۲۲.۱۵۸	۰.۰۰
رضایتمندی - پیامد محله محوری	۱.۰۰۵	۰.۱۲	۸.۳۹۶	۰.۰۰
شرایط اقتصادی - پیامد محله محوری	۱.۰۵	۰.۱۵۵	۶.۷۸	۰.۰۰
مشارکت اجتماعی - نظارت همگانی	۰.۱۵۶	۰.۰۳۸	۴.۰۷۵	۰.۰۰
احساس تعلق - احساس مسئولیت	-۰.۰۷۱	۰.۰۱۸	-۴.۰۳۹	۰.۰۰
احساس تعلق - رضایتمندی	۰.۰۱	۰.۰۰۴	۲.۳۶۴	۰.۰۱۸
احساس تعلق - شرایط اقتصادی	-۰.۰۷۹	۰.۰۱۹	-۴.۱۹۷	۰.۰۰
احساس مسئولیت - رضایتمندی	-۰.۰۰۱	۰.۰۰۵	-۰.۲۵	۰.۸۰۲
احساس مسئولیت - شرایط اقتصادی	۰.۰۹۹	۰.۰۲۴	۴.۲۰۴	۰.۰۰
رضایتمندی - شرایط اقتصادی	-۰.۰۰۳	۰.۰۰۵	-۰.۶۲۷	۰.۵۳

نتیجه‌گیری و بحث

فرضیه ۱ با تکیه‌بر نظریه دورکیم (وجدان جمعی و همبستگی) طراحی‌شده است و در نظریه پارسنز می‌خوانیم هر چه فرد از خدمات و امکانات محیط زندگی رضایت داشته باشد مسئولیت‌پذیری او بیشتر است. نتایج مطالعات کمی نشان داده است که فرضیه (بین احساس مسئولیت شهروندی با پیامدهای محله محوری رابطه وجود دارد) تائید می‌شود. مطابق جدول که ضرایب مسیر معادله ساختاری را نشان می‌دهد مقدار معنی‌داری کمتر از ۰,۰۵ بوده و به‌این‌ترتیب می‌توان احساس مسئولیت را در ارتباط با متغیر وابسته (پیامدهای محله محوری) دانست.

بین احساس تعلق و هویت محلی با پیامدهای محله محوری رابطه وجود دارد. این جمله خبری فرضیه ۲ تحقیق است. آزمون ضرایب مسیر معادله ساختاری نشان می‌دهد که ضریب معناداری میان احساس تعلق و محله محوری صفر بوده و رابطه تائید می‌گردد. ضریب مسیر احساس تعلق و محله محوری ۰,۸۰۲ گزارش‌شده است.

فرضیه ۳ چنین است (بین رضایتمندی اجتماعی شهروندان با پیامدهای محله محوری رابطه وجود دارد.) در این فرض رضایتمندی اجتماعی در قالب نظریه پارسنز قرار می‌گیرد که کنشگران برحسب گرایش به «ارضای مطلوب» برانگیخته می‌شوند. ساختار کوچک شهری در یک کل پیوسته با مدیریت شهری قرار دارد. نتایج آماری نشان می‌دهد شاخص رضایتمندی بیشترین

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

ارتباط از میان تمامی شاخص‌ها با متغیر وابسته که موردسنجش است، است. ضریب مسیر عدد ۰,۹۶ را نشان می‌دهد. آزمون ضرایب مسیر معنی‌داری صفر را نشان می‌دهد و ارتباط تایید می‌شود.

بین شرایط اقتصادی مردم محله با پیامدهای محله محوری ارتباط وجود دارد فرض ۴ تحقیق است. شرایط اقتصادی که ازنظر دورکیم گرفته‌شده و وجدان جمعی و همبستگی را می‌رساند. او معتقد است هر جا همبستگی اجتماعی نیرومند باشد تماس‌های آنان و فرصت‌های ارتباطشان در جهت اقتصادی نیز با یکدیگر بیشتر خواهد شد. نتایج تحقیق نشان داده است که شرایط اقتصادی و محله محوری در ضریب مسیر معادله ساختاری ۰,۷۳۶ را نشان می‌دهد و ضریب معنی‌داری بین این دو متغیر صفر بوده و رابطه با تائید فرضیه تحکیم می‌گردد. این دو فرضیه کیفی (فرضیه ۵ و ۶ تحقیق) بر پایه نظرات زیمل، پاتنام طراحی‌شده است. درواقع محله محوری خواهد توانست ارتباط متقابل اجتماعی (افزایش سرمایه اجتماعی) را بیشتر نموده و همبستگی‌های جمعی را تقویت نماید. همین ارتباط و هویت گرایش به رفتار نابهنجار و ترک آن را تقویت خواهد نمود ضمن آنکه در نظر زیمل به خطرهای ناشی ازخودبیگانگی می‌رسیم و در جامعه‌ای که افراد محله باهم به‌صورت یگانه می‌شوند و با محل زندگی و مردمان آن عجین می‌شوند خواهند توانست زندگی آرام‌تری داشته باشند. مطالعات کیفی محققان نشان می‌دهد که دو فرضیه تائید می‌گردد. سراهای محله، مدیران محله و مجموعه شورایاران هر محل تلاششان در جهت کاهش بزهکاری محل است و معتقدند که این نهاد توانسته در این جهت عمل کند. استقبال مردم از این طرح خوب بوده و آگاهی ۴۰ درصدی مردم از این نهاد نشان از تقویت شدن این نهاد دارد. رویکرد محله محور، با تغییر در نگرش مدیریتی در راستای تمرکززدایی قدرت و ارتقای میزان مشارکت مردم در سطح محله، راهکاری برای برون‌رفت از چالش‌های موجود در مدیریت شهری است. سرای محله راهکاری برای افزایش جلب مشارکت‌های مردمی جهت سهیم شدن اهالی محلات در اتخاذ تصمیمات برای بهبود و ساماندهی محیط زندگی خود، است. این امر منجر به ارتقاء حس خودباوری شهروندان و احساس مفید بودن آن‌ها برای محل سکونت می‌شود؛ بنابراین شکل‌گیری هویت محله‌ای و افزایش مسئولیت اجتماعی و رفع نابهنجاری موجود در محل افزایش خواهد یافت که درنهایت منجر به افزایش همبستگی اجتماعی می‌گردد. در اجرای مدیریت محله محور با ساماندهی اوقات فراغت نسل جوان محل دغدغه‌های خانواده‌ها کمتر شده و امکان حضور خانواده‌ها در چنین سازمان مردمی را تقویت خواهد نمود. در این طرح نوپا تلاش شده تا سطح اعتماد بین شهروندان و شهرداری تهران افزوده‌شده و نتایج پژوهش نیز این امر را نشان می‌دهد. از بین ۴۴ واحد مطالعاتی ۳۰ نفر به آینده این طرح امیدوار بوده و معتقدند که سراهای محله از بطن تغییرات اجتماعی شهر تهران در طی سال‌های متمادی حاصل‌شده و ایرادات آن در طول اجرای طرح برطرف خواهد شد اما ۷ نفر دیگر معتقدند که می‌بایستی طرح باکار کارشناسی بیشتر اجرا می‌شد و ۷ نفر دیگر به‌کل طرح محله محوری انتقاداتی دارند. یکی از نکات قابل‌توجه مدیران محلات و شورایاری‌ها عدم تناسب فرهنگی مردم محلات است که این امر در محلات حکیمیه، جنت‌آباد بیشتر به چشم می‌آید و مدیران محله ازگل[1] و خانی‌آباد به آن کمتر اشاره‌کرده‌اند. مدیران محلات حکیمیه و جنت‌آباد معتقدند که سراهای محله این کارکرد رادارند تا بتوانند اداره کلان‌شهرها را سهل‌تر نموده و از طرفی همگونی فرهنگی ایجاد کنند. تعداد ۴۰ نفر از واحدهای مطالعاتی این تحقیق عدم توسعه محله محوری را با بی‌مهری سازمان‌های دولتی به مجموعه مدیریت محله در ارتباط مستقیم می‌بینند. هرچند فقدان قدرت اجرایی از سوی ۴۴ پاسخگو اشاره‌شده اما همین تعداد پاسخگو از تجربه نیز به‌عنوان ابزار مهمی در موفقیت محله محوری نام‌برده‌اند. تبلیغات رسانه‌ای، مشارکت پذیر نمودن مردم با توجه به برنامه‌ریزی‌های موردنیاز مردم محله (بخصوص جوانان در رفع نابهنجاری‌های محله) و توانمند کردن سراهای محله باقدرت اجرایی

[1] ozgol

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

بیشتر خواسته‌های معقول پاسخگویان این تحقیق است. از ترکیب یافته‌های حاصل از دو روش تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که محله محوری که از زمینه‌های تغییرات اجتماعی در ایران بوده خود توانسته تغییرات ارزشمندی در محلات مسکونی شهر تهران ایجاد کند. با نشأت گیری این طرح-محله محوری – از اخلاق مدنی، در اداره کلان‌شهر تهران مؤثر عمل نموده و با کنترل گرایش به رفتار نابهنجار در هویت محله تأثیرگذار باشد. احساس مسئولیت شهروندان بر محله محوری و پیامدهای آن تأثیر داشته و با القا حس تعلق و هویت محله‌ای موفق عمل نموده است. هرچند رضایتمندی اجتماعی مردم رابطه محکمی با پیامدهای محله محوری نشان داده است. نتیجه دیگر تحقیق نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی و نظارت اجتماعی مردم دارای میانگین متوسطی در بین شهروندان دارا هست. مبانی نظری بر این نکته هم اشاره دارد که محله‌ها باید بر مبنای شرایط محیطی خود شکل‌گرفته و هر محله شخصیت و هویت اجتماعی ویژه‌ی خود را داشته باشد. هر یک از محله‌های شهر به‌مانند یک دنیای کوچک که دارای ساختار و جمعیت ویژه است، طرح و برنامه خاصی می‌طلبد. طرح نوپای محله محوری در تمام محله‌های موردبررسی توانسته روابط خوبی میان ساکنان برقرار کند. مدیران و البته خود مردم معتقدند برخوردهای چهره به چهره، استفاده از فضاهای عمومی و تعامل، فضای روانی مطلوبی برای ساکنان فراهم خواهد ساخت.

محلات شهر گرچه حکم اعضای یک پیکرند رادارند، ولی اگر از یکدیگر تشخیص داده نشوند، فرایند احراز هویت ناتمام خواهد ماند. مهم‌ترین عامل تشخیص یک محله از محله‌ای دیگر، به عامل کالبد محله برمی‌گردد. تراکم و ساخت‌وساز، رنگ و مصالح غالب از ابتدایی‌ترین موارد به خاطر سپردنی در سطح یک شهر هستند که انتظار می‌رود محله تا حد امکان به آن‌ها وفادار بماند. شاخصه‌های انسانی نیز باید در کنار شاخصه‌های کالبدی به کمک تشخص بخشی به محله بیایند. میزان و نحوه حضور ساکنان در سطح محله، نحوه زندگی شبانه محله، چگونگی جابجایی افراد در سطح آن و تبلور اعتقادات، باورها و نمادهای مردم شهر در محله، فعالیت‌های ویژه و چگونگی دخل و تصرف و مشارکت ساکنان در استفاده و نگهداری فضاهای محله، آن دسته از کنش‌های ساکنان یک محله هستند که می‌توانند برای ساکنان یک شهر معنی‌دار و معرف "بچه‌محل"های آن موضع باشند همه این‌ها عواملی هستند که در ذهن یک ناظر خارجی باوجود تماس محدودی که با شهر و محله دارد،می‌توانند نقش ببندند. پس باید در محله به آن‌ها توجه شود و تغییرات محله این شاخصه‌ها را تضعیف نگرداند. در این قسمت از ترکیب مدل‌های پسین و پیشین تحقیق در دو روش کمی و کیفی یک مدل نهایی به‌دست‌آمده است. (شکل ۵)

توسعه شهرنشینی موجب تضعیف همبستگی‌های اجتماعی سنتی، سازمان‌های سنتی و مشارکت همسایگی گردیده است و به‌نوعی بی‌تفاوتی اجتماعی و یا به‌اصطلاح حساسیت اجتماعی در جامعه موردمطالعه به چشم می‌خورد. باوجود فضاهای عمومی کلان‌شهر تهران با پیش آمدن تغییرات سیاسی و اجتماعی و فنّاورانه از محله به‌عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی و فردی کاسته است. سرعت جابجایی جمعیت در تهران محوری‌ترین علت فراموش‌شدن هویت محله‌ای بوده و قدرت هر نوع برنامه‌ریزی را گرفته و هویت‌ها را دچار آسیب کرده است. مهاجرت‌ها، اجاره‌نشینی‌ها، تراکم در ساخت‌وساز ترکیب جمعیت محله‌ها را سریع‌تر از همیشه دستخوش تغییر و تحول کرده است.

مدیران شهری با تلفیق برنامه‌ها و هدف‌ها در جلب اعتماد مردم دست رو دست نگذاشته‌اند و با طرح سراهای محله و مجموعه مدیریت محله با احیای حس مسئولیت و تعلق به محله و البته جلب رضایتمندی مردم بسته به شرایط اقتصادی محل سکونتشان تلاش شده تا در اداره جزیره‌های متعدد خرده‌فرهنگی -که در کلان‌شهر تهران تشکیل‌شده- مؤثر عمل نماید. به نظر می‌رسد سیاست زدگی

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

سیاست‌های اجتماعی در میان مسئولان منجر به این موضوع شده که مسائل اجتماعی را پنهان کنند. این پنهان شدن مسائل در پشت سیاست‌بازی‌ها موجب خمودگی مردم و از طرفی همان بی‌تفاوتی مردم شود.

اما در مورد پیامدهای محله محوری با تأیید نظریه مرتن نتایج تحقیق نشان می‌دهد که احساس مسئولیت و رضایتمندی اجتماعی و رفع نابهنجاری به‌عنوان پیامدهای اجتماعی آشکار محله محوری و اخلاق مدنی و احساس تعلق به‌عنوان پیامد پنهان محله محوری مشخص می‌گردد. احساس تعلق هر چه به محل بیشتر می‌شود امکان مهاجرت و جابجایی شهری کم خواهد شد. تعلق بیشتر به محله سکونت دائمی در آن محل را فراهم کرده و ناهنجاری فرد را کاهش خواهد داد این مطلب به خاطر شناخت اعضای محله نسبت به آن شخص و خانواده‌اش تشدید خواهد شد. محله محوری در جستجوی تعامل اجتماعی بوده و مشارکت بازیگران محلی را در دستور کار قرار داده و تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده امور شهری در سطح بالاتر خواهد بود. مطلب دیگر در موضوع بی‌تفاوتی مردم چنین است که شرایط و بسترهای فرهنگی و اجتماعی چنین طرحی باید از قبل آماده می‌بود. مردم کلان‌شهر تهران ازهمه‌جابی‌خبر ناگهان با نهاد محلی روبرو شدند که قبل از آن نامی نشنیده و نقشی برای آن مت‌صور نبودند. اگر تلاش برای ساختن ظرفی باقابلیت‌های اجتماعی و فرهنگی هر محله صورت گیرد مردم محل آن را با درک بیشتر خواهند پذیرفت.

پیشنهاد می‌شود: روابط عمومی شهرداری دستورهای جدی برای تبلیغات مؤثر سراهای محله در رسانه ملی داشته باشد. می‌توان از اطلاع‌رسانی به‌عنوان بزرگ‌ترین کمبود در اجرای طرح محله محوری یادکرد. این‌که بیش از ۶۰ درصد از شهروندان اصلاً شورایاری محله را نمی‌شناسند، نشان‌دهنده این است که تأثیر این طرح در جامعه شهروندان به‌شدت زیر سؤال است، لذا توصیه می‌شود امکانات اطلاع‌رسانی بیش‌تری در اختیار ش‌ورایاری‌ها قرار داده شود تا آن‌ها بتوانند با مردم محله تماس بیش‌تری برقرار کنند. برپایی تابلوهای اطلاع‌رسانی، نشر مجله یا بروشور محلی، نصب آگهی‌نما و برنوشته‌ها در اماکن عمومی محله که در آن مصوبات شورای محله، نشانی اعضا، شرح اقدامات و صورت‌جلساتی که با مدی‌ران شهری برپا می‌شود، می‌تواند کم‌هزینه‌ترین راه برای رسیدن به این هدف باشد. تصور اینکه متخصصین و کارشناسان باتجربه بخواهند داوطلبانه و بدون دریافت وجهی خدماتی را ارائه دهند، تصور مناسبی نیست و امکان اینکه افراد غیرمتخصص و کم‌تجربه جذب شوند را افزایش می‌دهد لذا با در نظر گرفتن حق‌الزحمه برای اعضای شرکت‌کننده در کارگروه‌های تخصصی در محلات و تخصیص بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی به این افراد می‌توان جذب این افراد - که تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده - را بررسی و امکان‌سنجی کرد. پیشنهاد بررسی مجدد قانون اجرای شورای شهر تهران و چگونگی رأی‌گیری در سطح تهران با توجه به گسترده شدن مناطق و محلات داده می‌شود. ارتباط سراهای محله و مجموع مدیریت محله با تمامی سازمان‌ها تا از بی‌مهری‌های انجام‌شده فاصله گرفته شود. توجیه مدیران شهرداری برای تعامل بهتر با مدیران محلات و پرهیز از رفتارهای آمرانه و سازمانی ازجمله مواردی است که در جذب و نگهداشت افراد داوطلب و باانگیزه و توانا در سراهای محلات نقش دارد. برای تحقق همکاری مردم با سراهای محله باید آگاهی شهروندان را افزایش داد، با برگزاری کلاس‌های آموزش شهروندی، پخش کلیپ‌های آموزشی در پارک‌ها، تیزرهای تبلیغاتی و... می‌توان شهروندان را با وظایف خود آشنا کرد. در جهت ایجاد همبستگی اجتماعی بیش‌تر در بین افراد محله تشویق شهروندان به شرکت در هم‌اندیشی‌ها و جلسات تصمیم‌گیری محلی است، شناسایی افراد سرشناس و نخبه و یا افراد زحمت‌کش محل و استفاده از تجربیات کاری افراد نیز بی‌تأثیر نیست، همچنین برگزاری مسابقات و اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌تواند مفید واقع شود.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

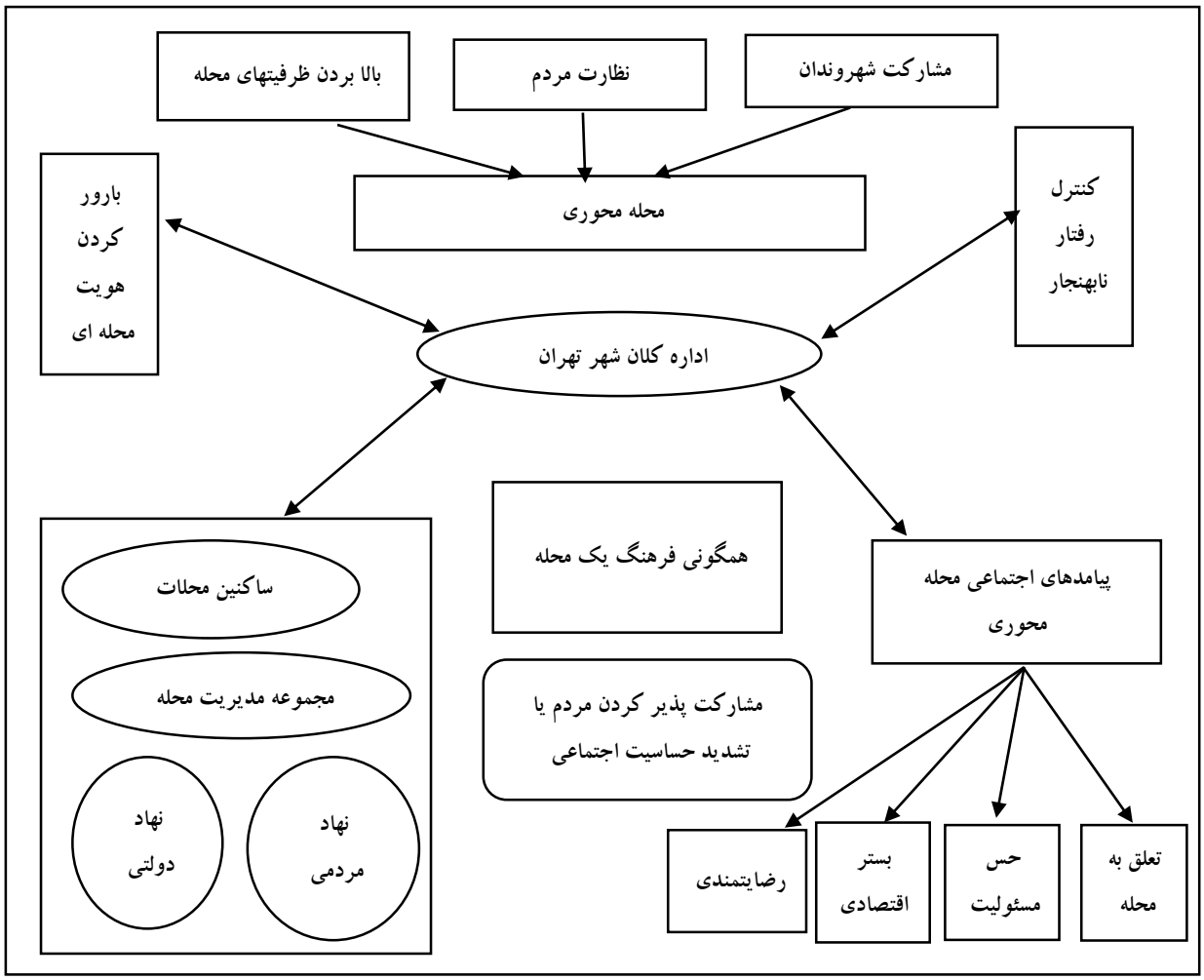

شکل ۵- مدل مفهومی پژوهش

منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی، ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص۶۴-۳۳.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر عملکرد شورای اسلامی شهر در توسعه محلی، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهری و پیرامون، تهران، سمت.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاج‌بخش تهران، پژوهش شیرازه.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۳)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد، مرندیز.
- جیکوبز، جین (۱۳۹۲)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا، مترجم حمیدرضا پارسی، آرزو افلاطونی، تهران، دانشگاه تهران.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]

- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، مشارکت در اداره امور شهرها بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- فیلد، جان (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی، غلامرضا غفاری، حسین رمضانی، تهران، کویر.
- کلدی، علیرضا (۱۳۸۱)، بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری منطقه ۷، فصلنامه جمعیت، شماره ۴۲، صص۲۰-۱.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۶)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری تهران، نی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰)، جهانی‌شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال پولادی، تهران، مرکز.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، بازخوانی هابرماس، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس، تهران، چشمه.
- ویسی، هادی (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی دولت محلی موردمطالعه شوراهای کلان‌شهرها، رساله دکتری منتشرنشده، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- Bohm, A. (2006), Theortical Coding, in U. Flick. E. V. Kardorff and I. Steinke (eds) a Companion to Qualitative Research, London, SAGE. Pp. 270-275.
- Blair, H. (2008), Participation and Accountability at the Periphery Democratic Local Governance in Six Countries, Vol. 28, No. 1, pp. 21–39
- Rydin, Y., Pennington, M. (2000), Public Participation and Local Environmental PlanningThe Collective Action Problem and the Potential of Social Capital, Publishing Models and Article Dates explained, pp. 153-169
- Kevin, R. Coxa Andrew, M. (2010), Locality and Community in the politics of Local economic development, pp. 140-185.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.29252/geores.32.3.100]